

۳. همان منطق قدیمی استکبار

دو نوع نگاه درباره واقعیات امروز جهان؛ واقع بینانه یا رمانتیک

در برابر این واقعیات دو نوع نگاه می توان داشت یا نگاه عقلانی و واقع بینانه یا نگاه توهمی و رمانتیک.

البته قبول کردن این نگاه دومدر جهان امروز توسط برخی علت دارد و یکی از دلایلیش این است که اگر شما یک روزی در تاریخ می خواندید یک جلادی بود مثل هیتلر، او ابایی نداشت از اینکه بگوید من یک نژاد پرست هستم و نگاه هایش را بیان کند اما امروز در کنار ظلم و تحمیلی که بر جهان وجود دارد، یک تزویری هم وجود دارد، همان ها ادعای دموکراسی و حقوق بشر دارند! امروز کسی نیست بگوید که تویی که چند ده کلاهک هسته ای داری همین ده روز گذشته در اجلاس امنیت هسته ای در واشنگتن چرا اعلام کردی که ما چاره ای نداریم برای اینکه از فناوری عقب نمایم، این کلاهک ها را پیشرفت می دانیم؟ این هم یکی از واقعیات هاست.

اگر می بینید یک عده ای نگاه های رمانتیک به این



*نگاه واقع بینانه به مناسبات موجود دنیا، وظیفه اصلی دانشگاه

اما قبل از اینکه به چنین پرسشی بخواهیم جواب بدهیم مهتر این است که خود این مناسبات را خوب بفهمیم. ما چه توصیفی از این مناسبات داریم؟ بالاخره دانشگاه محل تجربه و مشاهده و درک صحیح از واقعیات است. اگر از چنین موضوعی درک و فهم دقیقی نداشته باشیم، و جوهش را دقیق متوجه نشویم، طبیعتا نمی توانیم تجویز صحیحی داشته باشیم. مثل یک پزشکی که وقتی میخواهد یک تجویزی داشته باشد، هر قدر عکس رادیولوژی دقیق تر باشد، بهتر می بیند و بهتر تجویز می کند. در اینجا نیز دانشگاه جایی است که باید تصویر را روشن و دقیق کرده و تصویر صحیحی ارائه دهد. اینجاست که اهمیت پیدا میکند که نگاه ما یک نگاه عقلانی و واقع بینانه و به دور از توهم باشد.

در همین دنیایی که صحبت دموکراسی و حقوق انسان و آزادی بشر می شود، عده ای به صراحت قائل هستند که نه! اینطور نیست که انسان ها همه برابر باشند. به صراحت اعلام می کنند عده ای به اصطلاح برابرترند. اگر هم بپرسید چگونه؟ به صراحت بیان می کنند عده ای می توانند حق یا امتیازی داشته باشند به نام وتو.

یعنی اگر این عده تصمیمی گرفتند، حتی اگر چهارتای آنها با همه جهان هم صدا شد و بگوید اینجا این کشور در حال ظلم است، اگر یکی از آنها بگوید نه، می تواند همه آنها را وتو کند. این اتفاق مربوط به یک قرن قبل نیست! مربوط به همین سال ۲۰۱۶ است.

عده ای می توانند سلاح هسته ای داشته باشند، بقیه نباید داشته باشند. در همین ان پی تی به صراحت مطرح می شود که این چند تا کشور می توانند داشته باشند، بقیه نباید داشته باشند. حالا اگر بگویید چرا؟ آن یک بحث دیگری است.

۱. یک پرسش اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين سلام عليكم. خدا را شکر می کنم که توانستم در جمع صمیمی شما عزیزان حضور پیدا کنم.

شهادت امام هادی علیه السلام را تسلیت عرض می کنم. امیدواریم که با استفاده از تعالیم آن امام همام و مکتب نورانی اهل بیت، مباحثه امروز بتواند کمک کند به ادامه مسیری که ملت ما در این چند دهه انتخاب کرده است.

یک پرسش اساسی که شاید امروز نه تنها در کشور ما، بلکه در بسیاری از محافل علمی جهان و حتی نه تنها در محافل علمی، بلکه افکار عمومی جهان نیز این سوال را دارند را می خواهیم امروز به بحث بگذاریم و آن این است که بالاخره امروز در صحنه بین الملل چه موافق باشیم، چه موافق نباشیم، یک مناسباتی شکل گرفته است.

مناسباتی که تقریباً چند دهه است خود را به نظام بین المللی تحمیل کرده است. مناسباتی که در آن به صراحت برخی امتیازات را برای برخی قرار داده و برای برخی قرار نداده.

اینکه با این چگونه مواجه بشوید همان پرسش اساسی است. در همین سال ۱۳۹۵ یا ۲۰۱۶ شما شاهد هستید که این مناسبات به گونه ای شکل گرفته که اگر شاید من یا شما قرار بود، در کتب یا نوشته ها بخوانیم، می گفتیم مگر می شود این مساله مربوط به امروز باشد؟ با این همه ادعاهایی که بشر در زمینه های مختلف دارد. آیا باید این مناسبات را پذیرفت؟ آیا باید رد کرد؟ آیا باید با آن درگیر شد؟ چه باید کرد؟

۲. سند استراتژی امنیت ملی آمریکا، شاهدی بر مناسبات ظالمانه جهان

سند استراتژی امنیت ملی آمریکا برای همین سال ۲۰۱۵ است نه یک قرن قبل!

در همین جهانی که صحبت از آزادی می شود، صحبت از نقش مثبت انسان ها می شود، آقای اوباما سال ۲۰۱۵ سندی را به امضای خودشان منتشر می کند به نام سند استراتژی امنیت ملی آمریکا. در آن سند به صراحت بیان می شود ما رهبری فعلی را که بر جهان داریم باید یک قرن آینده هم ادامه داشته باشد. حال اینکه چه کسی به آنها این حق را داده، در کدام فرایند، در کدام ساز و کار چنین رهبری انتخاب شده و حتی تا یک قرن دیگر هم باید ادامه پیدا کند؟ مشخص نیست! آن هم در سال ۲۰۱۶ و با همه ابزارهایی ارتباطی که وجود دارد، این را اعلام می کنند.

این واقعیت هایی است که امروز در صحنه بین المللی وجود دارد و به مدد این وسایل ارتباطی در دسترس است. هر کسی می تواند با یک دقیقه وقت گذاشتن اینها را ببیند. اینکه گفته می شود در روابط بین الملل باید واقع بین بود و حرف درستی هم است، این است که باید همین واقعیت ها را دید.

در همین سند خود آقای اوباما این را مطرح میکند که نه تنها باید در یک قرن آینده رهبری ما ادامه داشته باشد، بلکه باید فاصله معنی دار ما با سایرین در عرصه های مختلف نیز حفظ شود. در ادامه همین سند بیان می کند که نه تنها این باید حفظ شود، بلکه هر جا ما این امکان را بدهیم که منافع ما در خطر است، به خودمان این حق را می دهیم از امکان نظامی ولو به طور یک جانبه استفاده کنیم! نه تنها این حق را برای خودش قائل است، بیان می کند که اگر لازم شد از استفاده از سلاح هسته ای هم دریغ نخواهیم کرد! اینها چیزهایی است که در همین

۴. تجویز آمریکا برای جهان اسلام

مقاله مهم ریچارد هس و تجویز دو نوع اسلام برای جهان بعد هم در ترسیم می که می کنند این است که دو راه بیشتر وجود ندارد، با باید همینطور تحت فشار باشی و فشار را تحمل کنی و یا اینکه در گوشه ای با او بسازی. مخیر می کنند بین این دو راه. این چیزی است که خود غربی ها هم می گفتند. این را چند بار گفتیم که آقای ریچارد هس رییس شورای روابط خارجی آمریکا، حدود چهارده سال پیش مقاله ای راهبردی نوشت و اعلام کرد ما باید جهان اسلام را بین دو اسلام مخیر کنیم، راه دیگری هم وجود ندارد. یکی اسلامی که با ما مصالحه کند، با ما همراه باشد، با ما درگیر نشود، و منافع ما را به خطر نیندازد که ما با این مشکلی نداریم و دوم اسلامی از جنس طالبان، که ما راحت بتوانیم آن را سرکوب کنیم.

روند ده - پانزده سال گذشته نشان میدهد که همین را عملیاتی هم کردند. اما وی این را برای چه گفت؟ چون نگران یک اسلام سوم بودند. یک راه حل سوم که هم مصالحه نمی کرد و هم میتوانست مقامت و پیشرفت کند. مقاومت را مساوی با محرومیت و رنج تعریف نمی کرد. نشان می داد در مقاومت است که پیشرفت و رفاه به دست می آید. او از این نگران بود. خب این مقاومت موجب فشار و محرومیت شد یا پس از گذشت بیش از ۲۸ سال از جنگ، کسی دیگر جرأت نمی کند به مرزهای ایران نزدیک بشود؟



شارع امام خمینی در عراق

سالها بیان می کنند و برای من و شما تصمیم می گیرند. این است مناسباتی که عده ای برای خودشان قائل هستند. یا سال گذشته حدود فروردین ماه بود که یک کشوری به کشور دیگری به نام یمن حمله می کند. نزدیک به سیزده ماه است که مردمی زیر سنگین ترین حملات هوایی قرار می گیرند. خب قطعنامه شورای امنیت صادر شد یا نشد؟ دو قطعنامه در ابتدای کار صادر شد، آنهم مبنی بر حمایت از حمله کننده! همین کسانی که امروز شعار دموکراسی شان گوش فلک را کر کرده، مردم شاهد هستند که نزدیک ترین روابط را با مستبدترین رژیم ها دارند.

یک هفته نمیگذرد که وزیر خارجه آمریکا می آید در بحرین، کشوری که مردم فقط یک انتظار دارند، که هر فرد یک رأی داشته باشد، می بینید که در همان جا با افتخار اعلام میشود که آل خلیفه متحد ماست و ما از آنها حمایت می کنیم. این نسبت شان با دموکراسی است، کسانی که آن امتیازات را قائل هستند حالا با هر کس که از ساز و کار دموکراسی دورتر است، روابط شان گرم تر می شود.

روایت جالب بی نظیر بوتو از نقش آمریکا و عربستان در حمایت از طالبان

در بحث حمایت از ترور بیسم هم همینطور است. نخست وزیر فقید پاکستان خانم بی نظیر بوتو قبل از فوتش در یک مصاحبه ای گفت که طالبان را آمریکا طراحی کرد، عربستان پولش را داد و ما هم حمالی اش را کردیم.

در همین سوریه شما دیدید که در پنج سال گذشته چه کسانی آمدند به اسم دوستان سوریه، مدام اجلاس گذاشتند، امکانات دادند، و این جریان را به وجود آوردند. یک جریان تروریستی خشنی که هیچکسی نمی تواند از آن حمایت کند! در سال های اول بحران سوریه ما گفتگوهای زیادی داشتیم. غربی ها می گفتند اینها (تروریست ها) مردم سوریه هستند و تا جایی که بتوانیم از آن حمایت می کنیم. اسنادش هم موجود است. این صحنه امروز بین المللی است. و هر قدر جلوتر برویم این مباحث وجود دارد. اینهایی را که عرض می کنم هیچ کدام مال تاریخ نیست، مال همین امروز است.



نظام پیدا می کنند، بی تاثیر از تزویر و فریبی که آنها دنبال می کنند نیست. اینجاست که همان پرسش اول پیش می آید که ما چگونه باید عمل کنیم؟ حالا اگر کسانی وجود این مناسبات را قبول کنند، اینجاست که دو رویکرد مطرح می شود. یک عده می گویند درست است، ولی خب همین است دنیا! میرسی خب منطق اینها چیست؟ چرا عده ای باید امتیازی داشته باشد و بقیه نداشته باشد. اگر بد است هیچکسی نداشته باشد. اگر علم و فناوری و پیشرفت است، همه باید داشته باشند. نمی شود کسی از آن سوی دنیا تعیین کند که سطح آزمایش ایران از این مقدار نباید بالاتر باشد! خب به او چه ربطی دارد. این چه منطقی است؟ همان منطق قدیمی استکبار. فاستکبرو فی الارض بغیر حق. وقتی می گویند چرا؟ قالوا من اشد منا قوه! چون زور ما بیشتر است. این منطق جدیدی نیست. سوالی که اینجا وجود دارد این است که چگونه باید مواجه شد با چنین واقعیت؟ نگاه اول می گوید باید مصالحه کرد، چرا که اینها زور دارند، در دنیا حاکم اند، ما هم برویم یک گوشه ای با اینها مصالحه ای بکنیم! وقتی از آنها می پرسی خب منطق مصالحه چیست؟ می گویند آنها زور دارند، لذا باید رفت مصالحه کرد. اینجا پارادوکسی وجود که اگر آن زور دارد، و شما با او مصالحه کردی، بر اساس همان زور چه تضمینی وجود دارد که به آن مصالحه عمل کند؟ چه تضمینی وجود دارد؟



شارع امام خمینی

در خیابان های عراق

غربی ها این را میفهمند که قدرتی شکل گرفته در ایران که نه تنها می ایستد مقاومت می کند در برابر آنها بلکه پیشرفت هم می کند. این را نخست وزیر اسبق ایتالیا در سفری که به تهران آمده بود به خود من گفت، گفت شما ایرانی ها در تمام این سالها فقط مقاومت نکردید، پیشرفت هم کردید. تاکید داشت که من یک استاد اقتصاد و نظریه پرداز توسعه و بر اساس مطالعه این را میگویم.

این است که آنها نگرانند که یک جریانی شکل بگیرد، همه بایستند و بتوانند مقاومت کنند. همین شاه اسبق سعودی بعد از جنگ به صراحت گفت: ساعدنا العراق بالمال و السلاح و الموافف. بعد آمار داد که ما ۲۸۷ میلیارد دلار به صدام کمک کردیم! این فقط یک قلم بود که رسمی اعلام کرد. خب امروز صدام کجاست؟ ملت ما کجا هستند؟ امروز شما در خیابان های عراق می بینید که نوشته شده شارع امام خمینی! امنیتی که امروز ایران دارد خود غربی ها ندارند! خود آنها اعتراف می کنند که امنیت ایران در منطقه مثال زدنی است. خود آنها می گویند پیشرفتی که ایران دارد چشمگیر است.

اسلام ناب منادی تمدن جدید

این را بارها گفتیم، آقای فهمی هویدی یک نویسنده شهیر مصری است که چند سال پیش مقاله ای نوشته بود، چند روز پیش دوباره آن مقاله را با ادبیات دیگری نوشته بود، در شرق الاوسط در کمتر از یک ماه گذشته منتشر شد، در آن مقاله به صراحت بیان می کند که ما سال ۷۸ میلادی و چند روز قبل از پیروزی انقلاب ایران با امضای کمپ دیوید متحد آمریکا شدیم، ایران در همان زمان به مقابل آمریکا تبدیل شد و به جنگ آمریکا رفت. بعد میگوید امروز ایران ماهواره به هوا میفرستد، اما در قاهره دو میلیون نفر در قبرستان ها می خوانند! خب اینها نتیجه چه چیزی است؟ این اتفاقات هیچ کدام از دو اسلامی که آقای ریچارد هس برای جهان اسلام تجویز کرده بود نیست. این همان اسلام ناب است. این یک اندیشه است و اندیشه ای نیست که فقط راجع به دو موضوع نظریه بدهد، بلکه در حال ساخت تمدن جدیدی است. در بحث دموکراسی حرف دارد، در روابط بین الملل حرف دارد، در همه زمینه ها حرف های خودش را بیان می کند. این است که آنها همه توانشان را برای مقابله با ایران گذاشته اند.

خالک کردن منابع قدرت ایران

«راه اصلی مقابله با دشمن» یا «چه شد که آمریکا در یک دوره مجبور به عقب نشینی شد؟»

ایستادن و نترسیدن، راه اصلی مقابله با دشمن

غرب میبند جریانی روی کار آمده که او را خلع سلاح می کند. خب سلاح غرب چیست؟ ترساندن. ذلکم الشیطان یخوف اولیائه. باطل السحرش چیست؟ نترسیدن! در این مسیر عقلانیت چیست؟ با دشمنی که در حال مبارزه با توست، عقلانیت این است که او را خلع سلاح کنی یا خودت را خلع سلاح کنی؟ سلاح او چیست؟ ترساندن. چه وقت میتوانی او را خلع سلاح کنی؟ وقتی که نترسی و بایستی. او چرا این همه تلاش دارد شما را از منابع قدرتی که دارید تخلیه کند؟ چون می داند این منابع قدرت است که شما را به جلو میبرد و این پیروزی ها را رقم میزند. او میفهمد این یک اندیشه است که اگر شکل بگیرد و تکثیر بشود، این پیروزی ها همه جا رقم میخورد. در مقابله با رژیم صهیونیستی جنگ های زیادی صورت گرفته است. در نقشه رژیم صهیونیستی مشاهده میکنید که میگویند اراضی ۱۹۴۸، اراضی ۱۹۶۷، یعنی یک جنگی شکل گرفته و آنها توانستند آن سرزمین را اشغال کنند تا به لبنان، صبرا و شتیلا پیشروی کرد. خب چه چیزی این را تغییر داد؟ جنگ ۳۳ روزه، جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۵۱ روزه که آخرش با شکست رژیم صهیونیستی ختم شد. لذا الگو و مدل ایران فقط منحصر به آزادی خرمشهر از دست بعثی ها نشد بلکه گسترش یافت و بعد از آن جبهه مقاومت در منطقه نیز در برابر صهیونیست ها ایستاد.

چرا در یک دوره ای آمریکا در برابر ایران مجبور به عقب نشینی شد؟

در دوره گذشته یک روزی همین آمریکایی ها میگفتند ایران چون قطعهنامه هی شورای امنیت را عمل نمی کند ما در گفتگوها شرکت نمیکنیم. اما دیدند که نمیتوانند و در گفتگوهای ژنو در سال ۸۷ خود آمریکا آمد و شرکت کرد! خود کسی که گفت ایران قطعهنامه ها را اجرا نمی کند، خودش دست از پا درازتر آمد و شرکت کرد. همان کسی که میگفت شما چرا باید غنی سازی ۳ درصد انجام می دهید، در مذاکرات آلماتی گفت بیایید راجع به غنی سازی ۲۰ درصد صحبت کنیم!

همان کسی که میگفت نطنز چرا کار می کند، رسید به اینکه بیایید راجع به فردو صحبت کنیم. همان کسی که همان قطعهنامه ها را به قول خودش دستاویز کرده بود، از سال ۸۷ تا ۹۲ توانست فقط یک قطعهنامه صادر کند! همان کسی که میگفت ما نسبت به ایران اجماع درست کردیم و ایران منزوی است، دید که نه تنها نمیتواند قطعهنامه صادر کند بلکه رو به تحریم های یک جانبه آورد. زیرا دید که تهران در سال ۹۱ میزبان ۱۲۰ کشور جهان است که در سطح عالی شرکت کردند و عملا نمی تواند ایران را

مشروح سخنرانی سعید جلیلی در همایش روز ملی فناوری هسته ای در تالار حکمت دانشگاه گیلان



منزوی کند و دیدید قبل از گفتگوهایی که منجر به برجام شد، جان کری در کنگره گفت ما در حالی برای امضای توافقنامه می رویم که دیگر ابزاری نداریم.

خب تجربه این طرفی را هم ببینیم. یک زمانی نگاه قرآنی باور ماست، یک زمانی آن را تجربه هم می کنیم. باور قرآنی ما این است که استجیبا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم. اما ملت ما این را تجربه هم کرده است. شما یکبار در قرآن میخواندید که انهم لا ایمان لهم. آنها به عهدشان پایدار نیستند! اما امروز شما این را تجربه هم کرده اید.

تعهدات عملی ایران در برابر تعهدات کاغذی امریکا!

وقتی امریکا میگوید شما ۲۰ درصد را از بین ببر، مواد ۳ درصد را خارج کن، اراک را بتون بریز، تحقیقات باید محدود شود، نظارتها باید اینطور باشد، نه تنها نظارت پادمان داشته باشی بلکه باید نظارت های پروتکل هم داشته باشی و ... در عمل چه اتفاقی افتاد؟ از روز پذیرش برجام تا روز اجرا قرار بر این میشود که این طرف سانسرفیوژها را کم کند، بتون بریزد و کارها دقیق انجام بشود؛ آن طرف آیین نامه های مقدمات رفع تحریم را انجام بدهد. یعنی روی کاغذ چند مطلب بنویسند. اما این طرف باید در عمل این کارها را انجام بدهد! خب این هم انجام شد اما امروز شما می بینید چه چیزی را مطرح می کنند، قانونی تصویب می کنند با امضای رییس جمهورشان، راجع به ویزای کسانی که به ایران سفر میکنند و خود ایرانیانی که تابعیت دوگانه دارند! یعنی محدودیت های بیشتر.

در خود برجام بیان شده که طرف غربی باید یک سری اقدامات را انجام بدهد، حال انجام نمی دهند. لذا اینکه میگوییم به امریکا بدبین یک نگاه کاملا واقعی است. کسانی میگویند نمیشود کاملا بدبین بود! بیایند موارد خوش بینی را بیان کنند. آن موارد خوش بینی چیست؟ در همین موضوع و در همین تجربه و همین برجامی که خودشان قبول کردند، بیایند بیان کنند چه شد؟ این تعهدات را خود غربی ها در برجام دادند بیشتر هم انتظار نداریم اما عمل به همین تعهدات صورت نگرفت.

عرصه واقعیت عرصه رماتیکی نیست که مبتنی بر یک توهم باشد و بگوید حالا نمیشود خیلی هم بدبین بود. بیایید واقعیت را بگویید چیست. چه چیز میتواند پیشرفت کشور را رقم بزند؟ اینکه منابع قدرت یک کشور تقویت بشود یا خالی بشود؟ این سوال اصلی است.

دفاع از حق هسته ای دفاع از همه حقوق کشور بود. اگر کسی احساس کرد با یک سلاح میتواند از شما امتیاز بگیرد، به استناد همان سلاح میگوید پس من امتیاز دوم را هم میتوانم از تو بگیرم. اگر او احساس کرد با یک اهرمی به اسم تحریم میتواند شما را به عقب نشینی وادارد، خب به همان استناد و با همان منطق در سایر موضوعات هم طمع خواهد کرد.

امروز آنها خودشان بیان می کنند پنج سال است به منطقه آمده اند برای موضوع سوریه اما یک ملتی در برابر آنها ایستاده است و میگوید حرف شما غلط است و شما حق ندارید برای دیگران تعیین تکلیف کنید. همه قدرت هایی که خود را قدرت جهانی میدانند میگویند البته ما در اینجا نمیتوانیم کاری کنیم. چرا نمیتوانید؟ چون یک فردی به نام ژنرال سلیمانی وجود دارد. هر کاری میکنیم، او آنجا تعیین کننده است. چرا؟ او قدرتی دارد که امثال این شهدای بزرگوار مثل شهید عطری، شهید علیزاده ... (مدافعان حرم گیلانی) این قدرت را تولید میکنند.



حاشیه‌ها:

۱- دکتر سعید جلیلی نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی در سفر یک روزه خود به استان گیلان در دانشگاه گیلان به ایراد سخنرانی پرداخت. تجلیل از خانواده شهدای مدافع حرم استان گیلان و دیدار با آیت الله قربانی، نماینده مقام معظم رهبری در استان گیلان، از دیگر برنامه های وی در این استان بود.

۲- در انتهای جلسه سخنرانی، پرسش و پاسخ برگزار شد؛ از جمله پرسش های مطرح شده می توان به سوالات زیر اشاره کرد:

* سوال: تحریم ها چه شد؟ آیا برداشته شد؟ اگر برداشته شد چرا تاثیری در زندگی مردم نداشته است؟

* سوال: با توجه به اینکه شاهد نقض تعهدات برجام از سوی آمریکا هستیم آیا ساز و کار مناسبی برای

۶. خالی کردن منابع قدرت ایران

برجام ۲ برای خالی کردن منابع قدرت ایران است

لذا برای چه صحبت از برجام ۲ میکنند؟ چون میفهمند اگر بخواهند جلو بیایند، باید این منبع قدرت را هم خالی کنند. شما شنیدید در دو روز گذشته که گفتند ما باید بنشینیم پیرامون مسائل منطقه برجام ۲ را پیش ببریم. چرا؟ چون میفهمند ایران قدرتی است که در برابر آنها می ایستد. لذا میگویند برجام ۲ و ۳ را پیش ببریم تا منبع قدرت ایران را هم خالی کنیم. اینجاست که باید از آنچه برای ادامه روند باید بگذرد، فهمی درست و واقعی مبتنی بر همین واقعیاتی که وجود دارد، داشت. اگر درست درک نکنیم یک خسارت محض دیگر میشود.

ابتدا برجام آفتاب تابان بود، امروز شده ابر شتابان!

تا قبل این میگفتند با برجام بحث سرمایه گذاری به داخل کشور درست می شود و این باعث میشود پیشرفتی صورت بگیرد، خب چرا پس نمی شود؟ آیا بخاطر اینکه فلان روزنامه مقاله انتقادی از برجام نوشت کارها درست نمی شود

۷. پیشرفت با اتکا به لات محل؟!

نباید به اسم استفاده از تجربه دیگران، تجارب خودمان را به باد دهیم!

اینکه گفته میشود باید از تجربه دیگران استفاده کرد، بله، چه کسی میگوید نباید از تجربه دیگران استفاده بشود؟ اتفاقا تجاربی که از دیگران به دست می آوریم این است که تجربه خودمان را به باد دهیم. دستاوردهای خودمان را حفظ کنیم. گفته میشود علم مرز ندارد. خب این خیلی خوب است، ما هم همین را میگوییم. اقتصاد مرز ندارد، خیلی خوب است. اگر علم مرز ندارد چرا کسی به خودش اجازه میدهد از آن سر دنیا برای علم شما مرز بندی کند. فلان تحقیقات بشود، فلان تحقیقات نشود. اگر اقتصاد مرز ندارد، چرا فلان کس به خودش اجازه میدهد درباره تراکنش بانکی شما اظهار نظر کند؟ خب اینها بحث های جدی است. باید روی همین حرفها ایستاد و گفت تو حق نداری برای ملت ما در مسیری که میخواهد پیشرفت کند مرز بندی کنی. اتکا به درون یعنی همین.

چه کسی گفته اتکا به درون یعنی اینکه من کتاب نمیخواهم، معلم نمیخواهم و درس نمیخواهم؟ اتفاقا در اینجا اگر مثالی هم لازم باشد باید گفت اگر بچه ای با اتکا

پیگیری حق خود در نهادهای بین المللی داریم یا خیر؟ * سوال: به چه علت مردمی را که در یمن علیه یمن سلاح به دست گرفته اند انقلابی میدانید اما در ارتباط با سوریه آنها را تروریست و جاهل دانسته و از دولت اسد حمایت میکنید؟ * سوال: مقام قدرت به نوبه خود بد نیست، اما شما زمانی که به قدرت رسیدید اطمینانی وجود دارد که تحت تسخیر آن قرار نگیرید و صالح باشید؟

برای خواندن پاسخ های داده شده به سوالات بالا، یا شنیدن سخنرانی، مشاهده تصاویر بیشتر از سخنرانی و یا مشاهده کلیپ آن، می توانید از رمزینره روبهرو کمک بگیرید و یا به آدرس زیر مراجعه کنید DRJALILY.COM



یا عیب کار جای دیگری است؟ خب همان کسانی که ادعا داشتند با این روند حل میشود، خب امروز پاسخ دهند. میگویند برجام یک فرصت است، یک فرصت شتابان است. اول آفتاب تابان بود، بعد تبدیل به ابر شتابان شد. خب اشکالی ندارد. چه کسی نمیگذارد از برجام استفاده شود؟ چرا برجام اجرایی نمیشود؟

باید به دهان کسی زد که صحبت از برگشت تحریم ها می کند

اینکه دو تا سایت و روزنامه مطلب مینویسند یا آن کسی که طرف شماسست در آنجا و امروز به صراحت اعلام میکنند که ما ظرف ۲۴ ساعت میتوانیم تحریم ها علیه ایران را بازگردانیم. خب نباید تو دهنش بخورد؟

مگر نمی گفتید همه قطعنامه های قبلی علیه ایران لغو شده است؟

به صراحت اعلام میکنند ما میخواهیم در فلان موضوع دیگر ایران را به شورای امنیت ببریم و راجع به قطعنامه صحبت کنیم، شما که گفتید همه قطعنامه ها لغو شد، پس اینکه میگویند چیست؟ کدام قطعنامه نقض شده است؟ اگر متعلق به زمان قدیم است که میگفتید لغو شد، اگر جدید که باز در آن اینها هست، خب پس این چه لغوی است؟ خب نباید در دهن طرف مقابل زد؟ اگر میگویید برجام یک ابر شتابان است و باید از آن استفاده کرد خب استفاده کنید. خب چه کسی مانع استفاده از این است؟

به لات محل بخواهد پیشرفت کند غلط است. کسی نگفته من درس نمیخواهم. اتکا به درون این است که ما باید به دشمن اجازه ندهیم اگر فکر میکند سلاحی موفق هست، روی آن سلاح حساب باز کند. نباید اجازه بدهد او اهرمی مثل تحریم را دست بگیرد و هرچند وقت بر سر دولت و ملت ما بگیرد و تهدیدمان کند تا امتیاز بگیرد. حالا هر دولتی که میخواهد باشد. اتکا به درون یعنی اینکه تو بتوانی قدرتی بسازی که او دیگر از اهرم تحریم استفاده نکند و بداند این سلاح زنگ زده پوسیده بوده و دیگر جواب نمیدهد.

هزینه نظام برای موضوع هسته ای در دفاع از یک بحث فقهی یا سیاسی نبود، در دفاع از دانشگاه بود

ایران به عنوان کشوری که حدود ۱۰ درصد منابع جهان را به طور متوسط دارد، چرا یک درصد GDP جهان را دارد؟ خب این باید پیشرفت کند. اتکا به درون یعنی این. با این مثالها این مسأله تحریف نشود که ما میخواهیم دور خودمان مرز بکشیم. اتفاقا ما میگوییم چرا یک کسی میخواهد دور ملت ایران مرز بکشد؟ هزینه ای که نظام در همین موضوع هسته ای داد، برای دفاع از دانشگاه بود. برای فلان موضوع فقهی نبود، برای فلان مسأله خاص سیاسی نبود، برای دفاع از تحقیق و علم در دانشگاه بود. و دانشگاه آن نقشی که در دفاع از نظام ایفا کرد، امثال این شهدا و دانشمندان هسته ای ما ایفا کردند، یک نقش متقابلی بود که ان شالله روز به روز بتوانیم بهتر انجام بدهیم. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.